

انتفاع غیرمستقیم از جرم؛ در جستجوی عنوان مجرمانه

محمد ابراهیم شمس ناتری* حسن عالی پور** عارف اسدی***

چکیده

انتفاع غیرمستقیم به معنای بهره‌گیری از عایدات جرم از سوی اشخاصی غیر از مرتکب (مباشر، شریک و معاون) است. در واقع، انتفاع از جرم به معنای دریافت و یا بهره‌گیری از عایدات مادی، خدمات و امتیازهای حاصل از برخی جرائم است که در بیشتر جرائم هم‌زمان به‌عنوان گام نخست و گام پایانی مسیر جرم دارای اهمیت است. انتفاع از جرم در گام آغازین در قالب انگیزه جرم و در گام پایانی به‌عنوان برخورداری از سود آن جلوه می‌کند. تفاوت این دو گام در این است که انگیزه یا قصد جرم منحصر به مرتکب یا مرتکبان است ولی گام پایانی یعنی سود واقعی جرم، گاهی نصیب کسانی می‌شود که با لحاظ مقررات، نقشی در ارتکاب جرم ندارند. این ویژگی بیشتر در قبال خانواده و نزدیکان مرتکب صدق می‌کند. در همین راستا، مسئله پژوهش این است که مجازات منتفعان از عایدات جرم در چه شرایطی ممکن است. در این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی و توصیفی، روشن شده که هر گونه تحصیل یا دریافت عواید، با عنوان پول‌شویی منطبق است، ولی این نتیجه حاصل شده است که انتفاع از جرم از سوی نزدیکان مرتکب چه آگاهانه و چه در اثر بی‌توجهی فاحش نسبت به منشأ اموال مشکوک، لزوماً با پول‌شویی یا معاونت در جرم مرتکب اصلی انطباق ندارد. در این راستا پیشنهاد شده است که متناسب با میزان برخورداری آگاهانه از عواید جرم، با استفاده از احکام مسئولیت کیفری جمعی یا عاریتی مبادرت به جرم‌انگاری مستقل این رفتار با ارکان و شرایط ویژه و متمایزی از سایر عناوین قانونی کرد تا حاشیه امن برای منتفعان از عایدات جرم فراهم نشود.

واژگان کلیدی: انتفاع از جرم، پول‌شویی، جرائم مقدم، عایدات مجرمانه، مسئولیت کیفری

جمعی.

* دانشیار دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) eshams@ut.ac.ir

** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی hassan.alipour@ut.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران

arefasadi1369@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

سرآغاز

یکی از مواردی که توجه قانون‌گذاران را به‌طور کامل و فراگیر به خود جلب نکرده و به نظر می‌رسد نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند ارتکاب جرم داشته باشد، عایدات مجرمانه و منتفعان از آن است. با بررسی دقیق فرایند ارتکاب جرم از نقطه شروع و لحظه شکل‌گیری اندیشه ارتکاب جرم تا تحقق کامل جرم و حتی در زمان استفاده از عواید حاصله از جرم، متوجه می‌شویم که نقش انگیزه مالی در جای جای فرایند وقوع بسیاری از جرائم ارتكابی، از ابتدا تا انتها و همچنین بر روی مجرمان و حتی اطرافیان آن‌ها چشمگیر بوده و رصد و خنثی‌سازی این انگیزه کمک مهمی به کاهش جرم می‌کند.

انگیزه مرتکبان اصلی جرائم مقدم معمولاً محدود به خود آن‌ها نمی‌شود و رفع نیازهای نزدیکان خود را هم مورد توجه قرار می‌دهند و در انتهای این فرایند، این نزدیکان هم از منافع به‌دست‌آمده منتفع می‌شوند. این منتفعان هم در شکل‌گیری قصد ارتکاب جرم و هم در توفیق او در ارتکاب جرم و هم در دفع هراس‌های ناشی از خطر دستگیری و مجازات، مداخله مستقیم دارند و در انتها هم بیشترین سود نصیب آنان می‌شود. در واقع مرتکبان جرائم، اندک اما منتفعان از عواید حاصله از جرم متعدد است. به عبارت دیگر، مجرم با تحمل سختی‌های زیاد جرم را مرتکب می‌شود و اموالی را کسب می‌کند و بعد از این مرحله است که این اشخاص پیرامونی حاضر شده و این دسترنج نامشروع را مورد استفاده قرار می‌دهند. قانون‌گذار با استفاده از تمامی امکانات و ابزارهای خود مجرمان را کیفر می‌دهد اما اطرافیان منتفع از جرم هیچ خطری را تحمل نمی‌کنند که می‌توان گفت این نزدیکان منتفع، در سختی‌های ارتکاب جرم و تحمل مجازات شریک نیستند اما در عایدات حاصله از جرم بدون تحمل کوچک‌ترین فشار روانی و مجازاتی شریک هستند.

انتفاع غیرمستقیم از جرم در این نوشتار، هرگونه بهره‌گیری از اموال حاصل از جرم توسط نزدیکان مرتکب، با آگاهی از منشأ مال یا با وجود ظن معتبر یا بی‌توجهی فاحش نسبت به آن است. در این تعریف اخیر منشأ اموال، ارتکاب جرم دانسته شده است و استفاده از اموالی که طرق دیگر کسب شده، مشمول تعریف نمی‌شود. همچنین قید اموال به این جهت در تعریف آمده است تا تعریف مذکور دایره وسیعی نداشته باشد و شامل انتفاع معنوی از جرم نشود. واژه «بهره‌گیری» نیز به کار رفته است تا عمومیت داشته و تمامی مصادیق احتمالی را در بر بگیرد. علاوه بر این

موارد، می‌توان بیان داشت:

الف. انتفاع، برطرف کردن عملی و بالفعل نیازها است. توضیح اینکه پس از تسلط اشخاص بر اموال، نیازی از آن‌ها رفع نمی‌شود بلکه باید از این اموال استفاده شود تا یکی از نیازهای مادی برطرف شود. این مرحله که مهم‌ترین اهداف انسان‌ها از زندگی است، مرحله انتفاع نام دارد؛ یعنی جایی که عملاً و بالفعل نیازی از نیازهای آن‌ها رفع شده است؛

ب. انتفاع جزء اعمال مادی است؛ به این معنا که رفتارهای انسان‌ها را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی به اعمال مادی و اعمال اعتباری تقسیم کرد. با کمی دقت متوجه می‌شویم که بین انتفاع به وسیله اعمال حقوقی (اعتباری) و مادی تفاوت وجود دارد و تنها قسمت اخیر را می‌توان انتفاع دانست، زیرا همان‌طور که گفته شد رفع کردن عملی نیازها انتفاع نام دارد و رفع نیازها هم تنها با اعمال مادی یعنی اعمالی که در عالم ماده روی می‌دهد، محقق می‌شود.

هم ارتکاب جرائم کلان و ورود پول‌های کثیف به اقتصاد و هم اقدام متقابل حکومت جهت مبارزه با این رفتارهای پرخطر، سبب تحمیل هزینه‌های مادی و غیرمادی زیادی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به شهروندان می‌شود؛ این موارد، افزون بر زبان‌های اجتماعی بالایی است که از این رفتارها به جامعه وارد شده است. این در حالی است که تلاش‌های بسیاری در سطح کلان و حتی بین‌المللی برای مبارزه و کاهش میزان این جرائم مالی در حال انجام است اما آن نتیجه مطلوب و مورد انتظار تاکنون به دست نیامده است. کسب مال، محرک مهمی در وقوع این جرائم است و این امر، خود نقطه ضعف این مجرمان است و اگر به درستی با این انگیزه مقابله شود، نقش مهمی در کاهش جرم دارد. این انگیزه محدود به مجرمان نیست و اشخاص پیرامونی بزهکاران نیز به عایدات مجرمانه توجه دارند و این اشخاص سهم مهمی در استفاده از این اموال دارند. بررسی این بخش از فرایند ارتکاب جرم و سنجش تأثیر منتفعان در این فرایند پیچیده و طولانی و بررسی اعمال ضمانت اجراهای کیفری در خصوص این افراد جزء ضرورت‌ها و اهداف این پژوهش است. پژوهش حاضر در قالب روش تحلیلی-توصیفی درباره بررسی امکان مجازات منتفعان از جرم انجام گرفته است. در این روش علاوه بر توصیف عینی و واقعی موضوع پژوهش حاضر و بررسی جنبه‌های مختلف و مرتبط با آن، راهکاری در خصوص مباحث و مسائل ارائه شده، بیان شده است. در این راستا، ابتدا ویژگی‌های مادی و روانی انتفاع از جرم تبیین می‌شود و در ادامه و در بخش دوم انتفاع از جرم به حسب منتفع بررسی خواهد شد. عنوان بخش

سوم، انتفاع از جرم به حسب سبب انتفاع است که در خصوص شرایط جرم منشاء صحبت خواهد کرد. ضرورت سنجی انتفاع از جرم، عنوانی است که برای بخش چهارم انتخاب شده است. در انتها هم تطبیق انتفاع از جرم با سایر عناوین قانونی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. ویژگی‌های مادی و روانی انتفاع از جرم

در حال حاضر چنین جرمی در قوانین کیفری وجود ندارد که بتوان بر اساس آن رکن قانونی، مادی و روانی آن را بررسی کرد. به جهت فوق به جای استفاده از واژه «رکن» که در خصوص جرائم کاربرد دارد از عبارت «ویژگی‌های» مادی و روانی استفاده شده است تا مرز بین این رفتار و یک جرم مشخص شود.

۱-۱. ویژگی‌های مادی انتفاع از جرم

رکن مادی هر جرم، از سه بخش رفتار، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه مجرمانه تشکیل شده است که به ترتیب هر یک از این بخش‌ها بررسی می‌شود.

۱-۱-۱. رفتار مجرمانه

در این بحث رفتار مادی لازم برای تحقق انتفاع از جرم به شرح ذیل بیان می‌شود: رفتار مادی برای تحقق انتفاع از جرم، دریافت عایدات مجرمانه و بهره‌گیری از آن‌ها است. دریافت اموال را نمی‌توان انتفاع دانست بلکه جزء رفتارهای ماقبل انتفاع است، زیرا تا این مرحله استفاده‌ای از اموال مذکور صورت نگرفته است اما دریافت اموال به این جهت بخشی از رفتار مادی لازم برای تحقق انتفاع از جرم آمده است که اگر صرفاً انتفاع را جرم بدانیم و دریافت اموال مجرمانه را جرم ندانیم از اهداف اساسی که برای جرم‌انگاری این رفتار مدنظر داریم، دور افتاده- ایم که به این ترتیب باید دریافت اموال را - هر چند عنوان انتفاع بر آن صادق نیست - بخشی از رکن مادی دانست تا دایره شمول این جرم گسترده باشد.

منظور از «دریافت» اموال این نیست که منتفع اموال را به‌طور فیزیکی از مجرم اصلی بگیرد بلکه دریافت اموال کلیه شیوه‌هایی را در بر می‌گیرد که سبب جابجایی مالکیت از مجرم اصلی به منتفع می‌شود و معنای گسترده‌ای از آن مورد نظر است. همچنین «بهره‌گیری» بر کلیه

راه‌های استفاده از اموال دلالت دارد و هر نوع بهره‌مندی از اموال ناشی از جرم را شامل می‌شود؛ بنابراین دریافت یا بهره‌گیری از اموال مجرمانه را انتفاع از جرم می‌نامیم.

انتفاع از جرم تنها به صورت فعل مثبت قابل تحقق است؛ یعنی انجام دادن کاری که قانون آن را منع کرده است و ترک فعل - یعنی انجام ندادن کاری که قانون به آن امر کرده - نمی‌تواند رکن مادی این رفتار را محقق کند، زیرا هم استفاده کردن از چیزی و هم دریافت کردن چیزی نیازمند انجام رفتاری است. در مورد سکوت باید گفت که باید بین انتفاع از اموال و دریافت اموال تفکیک قائل شد. انتفاع یا استفاده از اموال با سکوت ممکن نیست اما در مورد دریافت اموال مجرمانه، اگر صرفاً در مقابل دریافت اموال، سکوت از سوی شخصی مشاهده شود و اقدامی از سوی او صورت نگیرد علی‌الاصول نباید جرم محقق شود مگر مواردی که انفعال شخص نشان از سوءنیت او دارد که ایشان مسئولیت دارند، زیرا «مجموع این رفتارها بر قبول ضمنی ایشان دلالت دارد و این امور را نمی‌توان ترک فعل [سکوت] صرف محسوب کرد» (میر محمد صادقی، ۱۳۹۳ الف: ۳۸۰).

۱-۱-۲. شرایط و اوضاع احوال لازم برای ارتکاب جرم

علاوه بر رفتار، شرایط دیگری برای تحقق رکن مادی هر جمله لازم است که در ذیل آورده می‌شود:

اطرافیان منتفع از جرم، نباید به هیچ صورت در ارتکاب جرم منشأ دخالت داشته باشند، زیرا انتفاع از جرم به معنای دریافت و استفاده از اموال حاصله از جرم است. از آنجا که عایدات مجرمانه از قبل تحت اختیار مرتکبان جرم منشاء بوده است، دریافت در خصوص مرتکبان جرائم منشأ مصداق ندارد و همچنین استفاده از اموال حاصل از جرم لازمه ارتکاب جرم است و مجازات کردن او به این جهت، اضافه بر مجازات جرم مقدم، علاوه بر غیرمنصفانه بودن، به موجب مقررات مربوط به تعدد جرم اثر چندان زیادی جهت ارباب او نخواهد داشت.

عایدات حاصل از جرم باید مستقیم یا به‌طور مستقیم از ارتکاب جرمی که دیگری آن را انجام داده، حاصل شود. هر چند عنوان این نوشتار، «انتفاع غیرمستقیم» از جرم است اما این عنوان به جهت تبیین جنبه فرعی داشتن رفتار منتفعان نسبت به مداخله کنندگان در جرم است؛ اما منتفعان می‌توانند به صور مستقیم یا غیرمستقیم اموال حاصل از جرم را مورد بهره‌برداری قرار

دهند.

همچنین مال حاصله از جرم باید توسط مرتکبان به منتفعان واگذار شده باشد. این واگذاری می‌تواند تحت هر عنوان قانونی باشد و از این حیث محدودیتی وجود ندارد. واگذاری می‌تواند با رضایت یا بدون رضایت مرتکب جرم مقدم باشد اما مناسب‌تر است واگذاری همراه با رضایت سبب تحقق انتفاع از جرم باشد، زیرا آنچه در خصوص انتفاع از جرم مهم می‌نماید و مقابله با آن ضرورت دارد، تفاهم و توافق مجرم اصلی و منتفعان در دریافت و بهره‌گیری از اموال مجرمانه است و این‌گونه رفتار دارای خطرات مهمی است.

نحوه واگذاری اموال به دیگری توسط مجرم به منتفعان دارای اهمیت نیست؛ یعنی مهم نیست تحت چه عنوان حقوقی، مجرم اموال را تحت اختیار منتفع قرار می‌دهد. همچنین معتبر بودن این واگذاری‌ها از نظر قانون، در تحقق انتفاع از جرم بی‌اهمیت است، زیرا معتبر بودن واگذاری این اموال به دلیل عدم مالکیت و همچنین حصول از راه مجرمانه و غالباً بدون رضایت صاحبان اصلی اموال، محل تردید است و توجه به این امر سبب می‌شود که منتفعان به‌طور کلی قابل مجازات نباشند.

۱-۱-۳. نتیجه مجرمانه

رفتار مادی خارجی برای وقوع انتفاع از جرم، دریافت اموال و استفاده از آن است که البته با دریافت اموال جرم واقع می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد به جهت اهمیت این رفتار همین که شخصی اموالی را دریافت کند بدون نیاز به حصول نتیجه خاصی، جرم را تمام‌شده تلقی کنیم و انتفاع از جرم را یک جرم مطلق بدانیم.

۱-۲. ویژگی‌های روانی انتفاع از جرم

انتفاع از عایدات جرم، تنها زمانی که به صورت عمدی انجام گیرد، قابل مجازات است. رکن روانی جرائم عمدی دارای سه عنصر هستند که عبارت‌اند از: عمد، قصد و علم. عنصر عمد در انتفاع از جرم شبیه سایر جرائم است و مطلبی جدا از سایر جرائم برای بیان وجود ندارد؛ اما در خصوص علم و قصد بایستی مطالبی بیان شود.

۱-۲-۱. علم منتفع از جرم

«برای تحقق یک جرم بایستی همه اجزای رکن مادی تحت شمول علم قرار گیرد و برای دادرس محرز شود که متهم نسبت به تمامی اجزای رکن مادی که شامل رفتار، موضوع و نتیجه می‌شود، آگاهی داشته باشد» (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). از این جهت انتفاع از جرم با سایر جرائم تفاوتی ندارد. قابل پیش‌بینی است که منتفعان با بیان عدم آگاهی خویش خواستار معافیت از تعقیب شوند و همچنین قابل پیش‌بینی است این افراد برای عدم ورود به چرخه عدالت کیفری، ضمن انتفاع از عایدات جرم با انجام رفتارهایی سعی در پوشاندن و مخفی کردن آگاهی خود کنند و لزوم احراز «علم» بر اساس قانون مجازات اسلامی آن‌هم علمی که همه اجزای رکن مادی را فرا بگیرد، آنان را در دستیابی به اهداف خود مساعدت می‌کند. برای پیشگیری از این وضعیت باید گفت، افزون بر لزوم احراز «علم»، اثبات «ظن غالب» و همچنین «بی‌توجهی فاحش» در کسب علم موجب تحقق جرم باشد.

علم شامل آگاهی ۱۰۰ درصد به رکن مادی می‌شود و ظن، آگاهی بین ۵۱ تا ۹۹ درصد بوده که ظن بایستی غالب باشد؛ یعنی برخواسته از «شواهد آشکار» باشد که نشان دهد آگاهی منتفع از جرم اگرچه به سطح «علم» نرسیده است اما به جهت وجود «قرائن اطمینان‌آور» به سطح قابل قبولی رسیده که در بین مردم (عرف) هم به نوعی اطلاق علم به این «ظن معتبر» امکان‌پذیر است و هم «سوءنیت مجرمانه»، یعنی اراده آنان جهت ارتکاب جرم به راحتی محرز باشد.

همچنین «بی‌پروایی»^۱ در پیوند با وضعیتی است که یک شخص «به انجام عملی مبادرت می‌کند که در آن خطر وجود دارد و این خطر، غیرقابل‌توجه است» (جانی‌پور اسگلکی و وهابی توپاچی، ۱۳۹۱: ۱)؛ به این صورت که میزان دارایی‌های مجرم اصلی با توجه به وضعیت وی برای منتفعان قابل توجیه نباشد و آن‌ها با بی‌تفاوتی در تحصیل علم از اموال بهره‌مند شوند. در حقیقت «اندیشه اصلی بی‌پروایی این است که متهم (منتفع) خطر (حصول دارایی از راه نامشروع) را پیش‌بینی می‌کرده و با این حال، پیش‌رفته و آن (خطر) را پذیرفته است» (هرینگ، ۱۳۹۲: ۲۶). البته برای مسئول دانستن شخص باید بی‌توجهی منتفع، «فاحش» باشد. گفته شد که معیار لازم برای تشخیص «بی‌پروایی» بر دو امر استوار است: نخست این که با ملاحظه وضعیت مجرم

اصلی و شیوه رفتار وی بتوان تشخیص داد (آگاه شد) که دارایی‌های او به روش غیرقانونی به دست آمده است و دوم این که رفتار شخص در بهره‌گیری از اموال مجرمانه، بی‌پروایی یا بی-تفاوتی او در کسب علم جهت بهره‌گیری از اموال مجرمانه را نشان دهد. حال هر دو این معیارها بایستی الزاماً «با تکیه بر اوضاع و احوال عینی و خارجی استنباط شود. از این رو اگر مرتکب مدعی جهل موضوعی شود ولی مرجع قضایی مربوطه به این نتیجه برسد که با توجه به قرائن قطعی و شواهد روشنی که در حین ارتکاب جرم وجود داشته، متهم نمی‌توانسته از منشأ مجرمانه مال یا عواید مورد نظر بی‌اطلاع بماند» (یوسفیان شوره دلی، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۹) و با این حال با بی-تفاوتی از اموال منتفع شود، رکن روانی لازم برای تحقق عنوان یادشده به دست آمده و محکومیت شخص، شدنی است. همچنین احراز علم منتفع یا سایر موارد گفته شده نسبت به «غیرقانونی بودن» عایدات مورد استفاده سبب تحقق رکن روانی است و اطلاع او از اینکه لزوماً این اموال با ارتکاب جرم به دست آمده است و یا نوع جرم ارتكابی چیست، دارای اهمیت نیست، چون اگر این دفاع شنیده شود، سبب می‌شود دفاع دیگری در همین راستا بیان شود و چون ماهیت هر دو دفاع یکسان است، ناگزیر به بها دادن به دفاع ثانوی هم خواهیم شد، زیرا تنها برخی جرائم خاص به عنوان جرم مقدم در انتفاع از جرم آورده شده است؛ دفاع دوم، از سوی منتفعان این است که هر چند نسبت به عایدی مجرمانه مطلع بوده‌اند لکن نمی‌دانسته‌اند که اموال مجرمانه از این جرائم خاص تحصیل شده است؛ بنابراین شنیده نشدن این دفاعیات مطلوب است و اطلاع آنان به بهره‌مندی از پول نامشروع و کثیف برای مسئول دانستنشان بسنده است که البته تنها بهره‌گیری از اموال مجرمانه موجب تحقق عنوان انتفاع از جرم است لکن علم یا ظن معتبر یا بی‌توجهی فاحش نسبت به «غیرقانونی بودن» روش تحصیل اموال کفایت می‌کند.

۱-۲-۲. قصد خاص منتفع از جرم

گفتیم که انتفاع از جرم از حیث رکن مادی شامل دو نوع رفتار می‌شود؛ نخست انتفاع از عایدات مجرمانه و دوم دریافت اموال مجرمانه. انتفاع از رفتار مجرمانه نیازی به داشتن قصد خاص ندارد، زیرا رفتار استفاده کردن خود به نوعی نتیجه سایر رفتارها محسوب شده که به قصد خاص و یا قصد تحقق نتیجه مشخصی احتیاج نیست. استفاده کردن، یا واقع می‌شود یا که واقع

نشده لذا ماهیت این رفتار، نیازمند قصد ویژه‌ای علاوه بر عمد عام نیست. در خصوص دریافت اموال، به نظر می‌رسد بایستی برای دریافت‌کننده قصد خاصی در نظر گرفته شود. افراد می‌توانند به دلایل گوناگونی اموال مجرمانه‌ای را دریافت کنند. برای اینکه در این حالت همه دریافت‌کنندگان را تحت عنوان انتفاع از جرم مجازات نکنیم، بهتر است که تنها کسانی که این اموال را برای بهره‌گیری از آن‌ها دریافت کرده‌اند قابل مجازات بدانیم. البته باز جرم در این قسمت هم مطلق است، زیرا در جرائم مطلق هم قصد خاص (قصد حصول نتیجه) وجود دارد (منصورآبادی و فتحی، ۱۳۹۲: ۹۸؛ میر محمد صادقی، ۱۳۹۳ ب: ۵۳۷)؛ یعنی انتفاع از جرم از لحاظ رکن مادی مطلق است اما از لحاظ رکن روانی به سوءنیت خاص نیاز دارد که سوءنیت خاص در دریافت عایدات مجرمانه، «قصد استفاده و بهره‌برداری از اموال» کسب شده است که البته در تمامی موارد علم مرتکب به تحقق نتیجه برای مسئول دانستن وی کفایت می‌کند.^۱

۱-۳. موضوع انتفاع از جرم

اموال ناشی از جرم یا عایدات مجرمانه، موضوع انتفاع از جرم است و بهره‌گیری از اموالی که از راه غیرقانونی اما غیر مجرمانه حاصل شده، موجب رخ دادن این جرم نیست. در قانون پول شویی، عایدات مجرمانه تعریف شده است و در اینجا هم می‌توان از این تعریف استفاده کرد. بر اساس بند «پ» ماده ۱ ق.م.پ. مصوب سال ۱۳۹۷ منظور از مال حاصل از جرم «هر مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جرم منشأ به دست آید از قبیل مالی که از جرائم اقتصادی و جرم تأمین مالی تروریسم حاصل می‌شود. همچنین، مال موضوع جرم یا مالی که برای ارتکاب جرم اختصاص داده شده است در حکم مال به‌دست‌آمده از جرم است». همچنین در بند «ب» همان ماده، مال «هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا غیرمشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار» معرفی شده است. همچنین تحصیل مال از جرم مقدم ممکن است به صورت مستقیم باشد و یا غیرمستقیم باشد و در هر دو حالت مال ناشی

۱. ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز شود. در جرائمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود».

از جرم خوانده می‌شود و شخص را در معرض مجازات قرار می‌دهد.

پس مال به دست آمده از جرم موجب روی دادن انتفاع از جرم است اما ممکن است بهره-مندی شخص بر مبنای اجازه قانون‌گذار یا قرارداد باشد یا اساساً منتفع، ثالث باحسن نیت باشد که در تمامی موارد از لحاظ کیفری به نظر می‌رسد انتفاع از اموال مجرمانه بر مبنای این موارد مانع رخ دادن جرم نباشد، زیرا انتفاع از جرم یعنی دریافت یا بهره‌گیری از اموالی که با ارتکاب جرم تحصیل شده است و با انجام این رفتارها جرم روی می‌دهد و اینکه شخص از لحاظ قانونی محق در دریافت اموال مجرمانه (که در واقع متعلق به بزه‌دیدگان بوده است) باشد، در تحقق جرم خللی ایجاد نمی‌کند. به دلیل اینکه یک جرم، با انجام رکن مادی و روانی و عدم قرارگیری در ذیل علل موجه جرم واقع می‌شود و در این حالت هم این موارد صورت پذیرفته است. همچنین نباید به پرداخت مابه‌ازا در قبال انتفاع از اموال مجرمانه توجه کرد، زیرا همین که شخصی از اموال مجرمانه منتفع شود (با بودن سایر شرایط) جرم محقق می‌شود اما مستثنا کردن شخص ثالث باحسن نیت که مابه‌ازایی متناسبی پرداخت کرده است، پذیرفتنی است مشروط بر این که علم او یا ظن معتبر بر آگاهی او یا بی‌توجهی فاحش از او، نسبت به منشأ اموال اثبات نشود در غیراین صورت او هم مانند سایر منتفعان قابل مجازات است.

همچنین گاهی مالی به شخص داده نمی‌شود ولی زیان‌هایی از او دفع می‌شود؛ در این حالت آیا انتفاع محقق است؟ باید گفت «عدم النفع» یعنی ممانعت در رسیدن نفع به دیگری و «عدم‌الضرر» یعنی ممانعت از رسیدن زیان به دیگری؛ لذا اگر ثابت شود که عدم النفع، ضرر و زیان باشد می‌توان حکم کرد که عدم‌الضرر هم انتفاع باشد. اشخاص در زندگی خود یا نفع می‌بینند یعنی به اموالشان افزوده می‌شود یا اینکه ضرر به آن‌ها می‌رسد یعنی کسر و نقصانی در اموال آن‌ها حادث می‌شود و در نهایت، یا در حالتی قرار می‌گیرند که نه نفعی می‌بینند و نه ضرری متوجه آنان می‌شود. پس هر رفتار و اتفاقی باید مشمول یکی از این سه وضعیت باشد. عدم‌النفع و عدم‌الضرر هم به‌ناچار بایستی مشمول یکی از این سه باشد. با دقت در تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک متوجه می‌شویم که قانون‌گذار عدم‌النفع یا منافع ممکن‌الحصول را در زمره خسارات دانسته است. عدم‌الضرر هم مسلماً رساندن ضرر یا حالت خنثی نیست؛ بنابراین تنها یک

۱. تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک: «منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید».

وضعیت باقی می‌ماند که با توجه به ملاک این تبصره بگوییم که جلوگیری از ورود ضرر مسلم به دیگری، رساندن سود به او محسوب شود و اگر «عدم‌الضرر» به‌واسطه ارتکاب جرم یا با استفاده از اموال ناشی از جرم واقع شود، چنین شخصی را منتفع از جرم بخوانیم.

۲. انتفاع از جرم به حسب منتفع

تحقق انتفاع از جرم فرع بر وقوع یک جرم مقدم است. هر شخصی از وقوع جرم مقدم مطلع نمی‌شود و هر شخصی هم نمی‌تواند از عایدات مجرمانه بهره‌مند شوند. تنها اشخاص بسیار نزدیک هستند که ممکن است بتوانند از اموال مجرمانه نفعی کسب کنند. لذا اینکه منتفع چه اشخاصی را شامل می‌شود، بحث مهمی بوده که در اینجا به آن می‌پردازیم. منتفع کسی است که از عایدات مجرمانه بهره‌مند می‌شود و واژه منتفع برای اشاره به «مرتکب رفتار» عنوان انتفاع از جرم به کار می‌رود. به نظر می‌رسد مجازات همه افراد به دلیل انتفاع از عایدات مجرمانه صحیح نیست و منجر به افزایش بی‌رویه مجرمان می‌شود، زیرا ممکن است جرم واحد، چندین نفر منتفع داشته باشد که جرم‌انگاری این رفتار با این شکل، به حال شهروندان بسیار خطرناک باشد و دستیابی به اهداف متصور برای جرم‌انگاری این رفتار ممتنع می‌شود.

بهرتر است انتفاع از عایدات جرم فقط توسط اشخاص معینی جرم محسوب شود و بقیه اشخاص را حتی در صورت بهره‌مند شدن از اموال مجرمانه مسئول ندانیم. در واقع اصل بر این است که انتفاع از عایدات مجرمانه جرم نیست مگر در خصوص اشخاص زیر:

- **نزدیکان مجرم:** این اشخاص به دلیل قرابت و نزدیکی با بزهکار، از یک‌سو اطلاع زیادی از اقدام‌های شخص بزهکار داشته و به طور ضمنی با مجرم و کارهایش همراهی کرده و از این جهت خود آن‌ها هم دارای نوعی حالت خطرناک هستند و از سوی دیگر، در پنهان کردن آثار جرم و منشأ این اموال هم به نوعی مؤثر هستند. در تبیین محدوده نزدیکان باید گفت هر شخص که روابط تقریباً مستمر و بسیار نزدیکی با مجرم اصلی داشته باشد، داخل در این عنوان است مانند این که از اعضای خانواده یا کارمندان وی باشد.

- **منتفع حقوقی:** انتفاع از جرم توسط شخص حقوقی فارغ از هر میزانی که باشد، سبب تحقق جرم است و این امر به دلیل جایگاه مهم و حساس این اشخاص و اینکه معمولاً هدف از تشکیل این شرکت‌ها کسب سود است و این امر باید در مبارزه با اقدام‌های مجرمانه این‌گونه

اشخاص، مورد توجه قرار گیرد. لذا ضرورتی به استفاده از معیار کلان بودن میزان انتفاع و همچنین کلان بودن جرم مقدم نیست و انتفاع از عایدات حاصله از هر جرم به هر میزان که باشد سبب تحقق جرم برای شخص حقوقی است.

– **منتفعان کلان:** کسانی که از عایدات مجرمانه به صورت کلان بهره‌مند شده‌اند، باید به دلیل انتفاع از جرم مجازات شوند؛ به عبارت دیگر، هم می‌باید برای جرائم مهم یا جرائمی که عواید کلانی از آن کسب شده است، مشخص شود و هم برای انتفاع میزان مشخصی قرار داد و تنها منتفعان کلان را بزهدکار دانست. دلیل آن هم مشخص است؛ کلان بودن میزان انتفاع از اموال مجرمانه، دلالت بر خطرناک بودن آن شخص دارد و از این جهت مجازات او قابل توجیه است. پس باید از تعیین یک میزان مشخص برای تحقق انتفاع از جرم دفاع کرد. افزون بر موارد بالا صرفاً اشخاصی که از میزان مشخصی بیشتر منتفع شوند، مجرم هستند و نه همه منتفعان از عایدات مجرمانه حتی اگر اموال مورد انتفاع ناشی از جرائم مهمی بوده باشد.

۳. انتفاع از جرم به حسب سبب انتفاع

اسباب انتفاع به کلیه رفتارهایی اعم از مادی یا حقوقی که اشخاص انجام می‌دهند تا مالی در اختیار آن‌ها قرار گیرد، گفته می‌شود. اسباب انتفاع شامل راه‌های قانونی یا غیرقانونی می‌شود که غیرقانونی بودن اعم از مجرمانه بودن است. در بحث انتفاع از جرم، اسباب انتفاع تنها شامل شیوه‌های مجرمانه‌ای می‌شود که به وسیله آن اموالی به دست آید و رکن مادی این عنوان با استفاده از اموالی که از راه‌های غیرمجرمانه به دست آمده محقق نمی‌شود. اگر انتفاع از عایدات همه جرائم را جرم بدانیم، تعداد مرتکبان جرائم مالی حداقل دو برابر می‌شود؛ یک گروه برای ارتکاب جرم مقدم و گروه دیگر برای انتفاع از عایدات همان جرم.

برای اجتناب از این امر باید تلاش بر این باشد که دایره شمول این جرم گسترده نباشد. یکی از راه‌های تحقق این امر می‌تواند محدود کردن تعداد جرائم منشأ باشد، یعنی معرفی چند جرم مهم به عنوان جرائم مقدم؛ به این صورت که از چند جرم به طور خاص و مشخص که می‌توانند خطرات بالقوه و بالفعل زیادی برای جامعه داشته باشند، به عنوان جرائم منشأ نام ببریم و تنها انتفاع عواید حاصل از این جرائم را جرم بدانیم. البته گاهی از جرائم کم‌اهمیت هم عایدات بالایی تحصیل می‌شود و نباید نسبت به این رفتارها هم بی‌تفاوت بود؛ بنابراین برای تعیین جرائم

مقدم باید از دو معیار بهره گرفت: نخست، معرفی چند جرم مهم و خطرناک و دوم بیان هر جرمی که از آن عایداتی کلانی به دست آمده است. در خصوص مورد اول به جهت اهمیت آن‌ها، بهتر آن است که بگوییم نیازی نیست از معیار «کلان بودن انتفاع» استفاده شود و انتفاع به هر میزان از این جرائم مهم، سبب تحقق جرم است اما در خصوص مورد دوم یعنی هر جرمی که اموال بسیاری به وسیله آن به دست آمده، حتماً باید منتفعان به صورت کلان از اموال مجرمانه بهره‌مند شوند و در صورتی که جرم منشأ، یک جرم «کم‌اهمیت» باشد نباید انتفاع با میزان اندک از عایدات حاصل از این جرائم، سبب تحقق انتفاع از جرم باشد.

۴. ضرورت سنجی جرم انگاری انتفاع از جرم

حمایت از ارزش‌ها و مقابله با رفتارهای ضدسهنجاری، به وسیله جرم‌انگاری صورت می‌گیرد. «مبنا این است که حقوق کیفری نباید دخالت کند و اگر دخالت کرد باید در چهارچوب ضرورت باشد و در این راستا می‌توان گفت که اصل بر آزادی است مگر آنکه جزئی از آن به خاطر ضرورت‌های زندگی اجتماعی محدود شود» (فلاحی، ۱۳۹۳: ۲۴) که بر این مبنا ما برای توجیه جرم‌انگاری انتفاع از جرم، بایستی ضرورت آن را بیان کنیم.

۴-۱. تبیین حکم شرعی انتفاع از عایدات مجرمانه

شخص منتفع از جرم در واقع دو فعل را هم‌زمان انجام می‌دهد؛ نخست، از مالی که روش تحصیل آن غیرقانونی است، استفاده می‌کند و دوم، از مالی که متعلق به دیگری است و در مالکیت بزه‌دیده قرار دارد، بهره‌مند شده است.

در خصوص استفاده از اموال که روش تحصیل آن غیرقانونی است باید اضافه کرد که شارع با جعل قاعده «حرمت اکل مال به باطل»^۱ به همین شیوه‌های غیرقانونی کسب مال نظر داشته و آن‌ها را ممنوع دانسته است. به نظر می‌رسد که این قاعده به صورت عام بیان شده است و استفاده از اموالی را که به طریق صحیح شرعی حاصل نشده حرام می‌داند، اعم از اینکه شخص

۱. این قاعده بر اساس آیه ۲۹ سوره نساء بوده و مفاد قاعده برگرفته از این آیه است. خداوند متعال در این آیه فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را به ناروا نخورید مگر آنکه دادوستدی با تراضی یکدیگر از شما انجام گرفته باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است».

در روند تحصیل آن دخالت مستقیم داشته باشد و یا به مانند منتفعان از اموال مجرمانه بدون دخالت در فرایند تحصیل این نوع اموال، از آن‌ها منتفع شده باشد.

اموالی که مجرم به دست می‌آورد، متعلق به اشخاص دیگر یا دولت است. مجرمان با نقض حقوق مالکانه اشخاص، این اموال را در تصرف خود در می‌آورند. این تصرف مجرمان برای آنان حق مالکیت ایجاد نمی‌کند، زیرا نه مال در مالکیت آن‌ها بوده و نه تصرف آن‌ها ناشی از سبب قانونی بوده است. پس منتفع از عایدات مجرمانه، در واقع از اموالی بهره‌مند شده است که مالکیت حقیقی آن متعلق به بزه‌دیده است و این رفتار برخلاف قاعده احترام به مال مسلمانان است، زیرا مفاد «قاعده احترام به معنای ممنوعیت تصرف در چیزی بدون اذن مالک یا بدون مجوز شرعی، است» (سلامی‌زاده و رشوند بوکانی، ۱۳۹۵: ۶) که عدم رضایت بزه‌دیده در استفاده از اموالش توسط مجرم و سایر افراد، محرز است. پس رفتار منتفعان به جهت اینکه برخلاف قاعده احترام بوده، شرعاً ممنوع است لذا با استناد به قاعده تعزیر^۱ «می‌توان، اعمالی که انجام آن‌ها از نظر شرع گناه محسوب می‌شود را مورد جرم انگاری قرار داد و فاعلان این‌گونه رفتارها را مجازات نمود» (فلاحی، ۱۳۹۴: ۵).

۴-۲. مبانی حقوقی جرم‌انگاری انتفاع از جرم

در حقوق مدرن برای جرم‌انگاری یک رفتار، ضوابطی تعیین شده است تا حقوق و آزادی افراد به راحتی نقض نشود. اصل ضرر و اخلاق‌گرایی قانونی از جمله این ضوابط هستند که باید مطابقت انتفاع از جرم با آن‌ها بررسی شود.

۴-۲-۱. تطبیق اصل ضرر با انتفاع از جرم

انسان‌ها در انجام هر رفتاری آزاد هستند و «تنها رفتارهایی باید ممنوع و با مجازات مواجه شود که ضرر مادی و خارجی به افراد دیگر برسانند» (حاجی ده‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۰). در انتفاع از جرم، فرد از اموالی استفاده می‌کند که با اضرار به اشخاص دیگر به دست آمده است

۱. این قاعده با عبارت «التعزیر لکل عمل محرم» بیان شده است. در معنای اصطلاحی آن گفته شده است که: «در مورد ارتکاب معصیتی که برای آن حد یا کفاره تعیین نشده است، حاکم می‌تواند به صلاحدید مجازاتی تعیین کند که به این مجازات، تعزیر می‌گویند». (مسجد سرای، ۱۳۹۲: ۴)

و این رفتار در ادامه رفتار پیشین یعنی ارتکاب جرم بوده (و جرم بودن یک رفتار بر زیان بار بودن آن رفتار دلالت دارد) پس می‌توان گفت که ورود ضرر به دیگران بر اساس این رفتار محرز است، زیرا جرائم مقدم، سبب خارج شدن مال از تصرف شخص مالک شده‌اند و استفاده منتفعان از این اموال، این عدم دسترسی به مال (توسط بزه‌دیده) را استمرار می‌دهد و اضرار به دیگران همچنان ادامه پیدا می‌کند چه از دست رفتن اموال برای بزه‌دیده توسط مرتکبان جرم منشاء زیان بار بوده و رفتار منتفعان هم باعث ادامه عدم دسترسی بزه‌دیده به اموال خود می‌شود که از این جهت موجب زیان بزه‌دیده است.

پس در انتفاع از جرم شخص از اموالی که متعلق به غیر است، بهره می‌برد که این رفتارها مصداق بارز اضرار به دیگران است. فردی که از اموال دیگران که با ارتکاب جرم از ید آنها خارج شده است، بهره می‌برد، کمتر از خود مجرمان قابل سرزنش نیست، زیرا مرتکب جرم با تحمل سختی‌های زیاد، اموالی را به دست می‌آورد اما منتفع از جرم بدون تحمل هیچ‌گونه ریسکی با خیالی آسوده، از این اموال استفاده می‌کند که استفاده از اموال دیگران که از راه مجرمانه به دست آمده، به عنوان رفتار زیان‌بار بر پایه اصل زیان قابل مجازات است.

۴-۲-۲. تطبیق اصل اخلاق‌گرایی قانونی با انتفاع از جرم

در واقع استفاده از اموالی که از راه جرم به دست آمده به وضوح برخلاف اخلاقیات است، زیرا عایدات مجرمانه دو مشخصه بارز داشته که غیراخلاقی بودن انتفاع از آن را نشان می‌دهد. ویژگی اول، تحصیل آنها از روش غیرمجاز است. شاید ارتکاب برخی از جرائم را نتوان نقض یک وظیفه اخلاقی دانست اما دریافت اموال مجرمانه و انتفاع از آن، غیراخلاقی تلقی می‌شود و مشخصه دوم، عدم تعلق آنها به مجرم اصلی و منتفع و در نهایت عدم رضایت واقعی مالک در استفاده از این اموال است که از این جهت هم منتفعان یک رفتار غیراخلاقی را انجام می‌دهند.

درست است که منتفع از جرم، هم از اموال متعلق به دیگری استفاده می‌کند و هم از اموالی که از راه درست و قانونی حاصل نشده است، اما برای استفاده از این اصل باید ثابت شود «اخلاقی که قانون می‌خواهد آن را الزام و اجرا کند باید عمومی باشد؛ به این معنا که عموم مردم عمیقاً بدان معتقد باشند. نمی‌توان چیزی را مجازات کرد مگر اینکه افکار عمومی آن را در عمل و بدون ابهام و به طور قوی محکوم کند». (رستمی، ۱۳۹۳: ۱۲). به نظر می‌رسد برای

اثبات این امر نیاز به مراجعه به عرف باشد که توجه به این نکته ضروری هست که موضوع انتفاع از جرم، عایدات مجرمانه کلان است و شخصی که یک میزان بالایی از اموال حاصل از جرم را دریافت می‌کند، بدون شک در نظر اکثریت مردم یک قاعده اخلاقی را نقض کرده و از این جهت می‌توان گفت مجازات او قابل توجیه است.

۴-۳. آثار جرم انگاری انتفاع از جرم

در این مبحث، نتایج اجتماعی و حقوقی حاصل از جرم انگاری انتفاع از جرم بررسی می‌شود.

۴-۳-۱. بازدارندگی نسبت به مرتکب جرم و منتفع از جرم

به طور خلاصه «پول و اموال مجرمانه، درعین حال که انگیزه ارتکاب جرم است، به شکل تناقض‌آمیزی، نقطه ضعف اصلی فعالیت گروه‌های مجرمانه سازمان یافته (بزهکاران) به شمار می‌رود» (یوسفیان شوره دلی، ۱۳۸۹: ۴) و مقابله با آن تأثیر مهمی در امر مبارزه با جرم دارد. جرم‌انگاری انتفاع از جرم، هم به عنوان یک اقدام بازدارنده نسبت به منتفعان قابل طرح است و هم نسبت به مرتکبان جرائم منشأ.

از جهت بازدارندگی نسبت به مجرمان اصلی به این صورت است که نقش اطرافیان منتفع در فرایند ارتکاب جرم گاهی یک نقش فعال است. این افراد یا به جهت احتیاج مجرمان اصلی به کمک آن‌ها یا به جهت خویشاوندی و لزوم رفع مشکلات مادیشان، مورد توجه مجرم اصلی بوده‌اند و رساندن اموال به آن‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری جرائم دارد. حال اگر مجرمان بدانند استفاده از عایدات مجرمانه توسط اطرافیان‌شان موجب مجازات این افراد می‌شود، در خنثی کردن اندیشه فوق و در نهایت در کاهش وقوع جرم مؤثر است.

در حقیقت، این امر که استفاده و بهره‌مندی از عایدات مجرمانه هیچ‌گونه عواقبی نمی‌تواند برای منتفع داشته باشد، خود عامل محرکی برای افزایش این‌گونه انتفاعات خواهد بود؛ زمانی که شخصی می‌داند دریافت هدیه گران‌قیمت از یک مجرم اقتصادی به هیچ وجه سبب محکومیت او را فراهم نمی‌آورد، به احتمال خیلی بالا، آن هدیه را دریافت می‌کند. لذا در جوامعی به ویژه شبیه جامعه فعلی ما با این میزان بالای پول‌های کثیف، بدون کیفر بودن این رفتار در شیوع آن بسیار

مؤثر بوده است. پس جرم‌انگاری انتفاع از جرم هم می‌تواند به مانند یک جرم مانع برای مجرمان اصلی عمل کرده و سبب کاهش جرائم مقدم شود و هم به جهت تعیین کیفر برای منتفعان، در کاهش استفاده از اموال مجرمانه مؤثر است.

۴-۳-۲. شناسایی عایدات مجرمانه و فراهم ساختن مصادره و استرداد آن

«استرداد اموال حاصله از جرم به مالباخته، ترمیم طبیعی و بازگشت عادی و مستقیم حق مورد تجاوز است» (یوسفیان شوره دلی، ۱۳۸۹: ۵) که البته فقط در خصوص مجرمان قابل اعمال است و اگر به شخص ثالث منتقل شده باشد، استرداد آن دشوار می‌شود. در واقع تمرکز اصلی دولت‌ها در مقابله با بزهکاران مالی باید بر ره‌گیری عایدات مجرمانه و کشف و مصادره آن اموال باشد. «یکی از اهداف اصلی سیاست جنایی از میان برداشتن انگیزه ارتکاب جرم در بین مجرمان است. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین علل و انگیزه‌هایی که افراد را به طرف ارتکاب جرم سوق می‌دهد، تحصیل مال و کسب ثروت و درآمد است. بدین ترتیب، یکی از سیاست‌هایی که قانون‌گذار برای جلوگیری از عملی شدن انگیزه افراد اتخاذ می‌کند، الزام مجرم به اعاده اموال حاصل از جرم و مصادره عواید آن است» (الهام و احمدی، ۱۳۹۵: ۳) و چون معمولاً تا زمان قطعیت احکام، این اموال منتقل شده یا توسط نزدیکان مجرم مورد استفاده قرار گرفته، جرم‌انگاری این رفتارها علاوه بر اینکه سبب مبارزه جدی با بزهکاران اصلی محسوب می‌شود، موجب محدود کردن تمایل افراد به دریافت و انتفاع از این اموال است و در نهایت به باقی ماندن آن اموال و آسان بودن استرداد اموال کمک می‌کند.

۵. تطبیق انتفاع از جرم با عناوین قانونی

برخی از عناوین مجرمانه، شباهت بسیار زیادی با بحث انتفاع از جرم دارد. این رفتارهای مجرمانه اگرچه از جهت عنوان با انتفاع از جرم تفاوت دارند اما احکامی در ضمن این قوانین بیان شده است که با انتفاع از جرم شباهت داشته و ممکن است بتوان به موجب آن‌ها، منتفعان از عایدات مجرمانه را هم مجازات کرد که در خصوص انطباق یا عدم انطباق آن‌ها با بحث انتفاع از جرم صحبت می‌شود.

۵-۱. تطبیق انتفاع از جرم با مسئولیت کیفری جمعی

بررسی وضعیت اطرافیان مجرم که از ثروت‌های مجرمانه بهره‌مند می‌شوند و امکان انطباق آن با دکترین مسئولیت کیفری جمعی موضوع این گفتار را تشکیل می‌دهد.

۵-۱-۱. از جهت عنصر مادی

شرط اول تئوری مسئولیت کیفری جمعی، وجود یک طرح یا نقشه قبلی برای ارتکاب جرم است. البته همان‌طور که گفته شد «وجود این طرح بین اعضای گروه باید اثبات شود و هدف از این طرح باید ارتکاب جرم باشد و رابطه سببیت بین نتایج حاصل از رفتار اعضای گروه و طرح مشترک بایستی احراز گردد» (نژندی‌منش، ۱۳۹۴: ۱۳۳) که احراز این شرایط در خصوص رفتار صورت گرفته توسط اطرافیان مجرم سخت یا حتی غیرممکن است، زیرا نخست، معنایی که از واژه «طرح» در این دکترین به ذهن می‌رسد برنامه‌ای است که از پیش چهارچوب آن طراحی شده و جزئیاتش مشخص است، که در بررسی رفتارهای مجرمان و نزدیکان او وجود چنین طرحی، مشاهده نمی‌شود یعنی مجرم اصلی شاید به وسیله یک چنین طرحی ثروتی را از راه مجرمانه تحصیل کند اما این امر دلالت بر وجود یک طرح مشترک بین مجرم اصلی و منتفعان ندارد، زیرا رفتار نزدیکان صرفاً انتفاع از عایدات جرم ارتكابی است. دوم، اگر وجود برنامه‌ای همراه با جزئیات را بین این افراد مفروض بگیریم، هدف این طرح باید ارتکاب جرم باشد و بدیهی است که نزدیکان مجرم هم باید به این هدف علم داشته باشند. این نزدیکان دنبال کسب ثروت هستند و این خواسته آنان مورد حمایت قانون‌گذار است پس نمی‌توان گفت هدفشان مستقیماً ارتکاب جرم بوده است. سوم، بین رفتار اطرافیان و جرائم ارتكابی مجرم اصلی، به هیچ وجه رابطه سببیت وجود ندارد، زیرا این جرائم اتفاق افتاده است و بعد از تحصیل اموال، اطرافیان از آن اموال بهره‌مند شده‌اند که این تفاوت زمانی نفی‌کننده رابطه علیت است.

دومین شرط برای تحقق این نظریه، «وجود تعدادی از افراد» است که اگرچه در مورد اطرافیان ظاهراً این شرط وجود دارد و حضور بیش از یک نفر قابل تصور است اما اجتماع افراد باید پیش از وقوع جرم باشد؛ یعنی بعد (مقارن) از ایجاد طرح مجرمانه و تهیه وسایل مورد نیاز برای ارتکاب جرم این افراد گرد هم آیند و طرح مذکور را به فعلیت درآورند؛ اما در

انتفاع از ثروت ناشی از جرم چنین استنباط می‌شود که جرمی واقع شده است و بعد از آن، اشخاص اموال حاصله منتفع می‌شوند، پس در اینجا هم شرط فوق حاصل نیست. سومین شرط برای تحقق مسئولیت کیفری مشترک، ارتکاب رفتاری از سوی اطرافیان است که در تحقق جرم مؤثر باشد اما رفتار اطرافیان مجرم بهره‌مندی از ثروت ناشی از رفتار مجرمانه است که نمی‌توان آن را با شرط فوق تطبیق داد، زیرا رفتار افراد دخیل در طرح کیفری مشترک باید منجر به ارتکاب جرم یا تحقق هدف گروه شود اما اینجا هدف محقق شده و اموال حاصل شده و رفتار اطرافیان بعد از آن صورت می‌گیرد. از طرف دیگر صرف انتفاع را نمی‌توان ارتکاب رفتاری جهت تحقق اهداف گروه دانست، زیرا به هیچ نحو به افراد جهت دستیابی به هدف خود کمکی نمی‌کند و به اندازه‌ای دارای اهمیت نیست که در وقوع جرم مؤثر باشد.

۵-۱-۲. از جهت رکن روانی

رکن روانی برای تحقق مسئولیت کیفری جمعی در مورد انتفاع اطرافیان از جرم محرز نیست، زیرا این افراد بعد از تحقق کامل رفتار مجرمانه، رفتار خود را انجام می‌دهند و رکن روانی زمانی محقق می‌شود که رکن مادی انجام شده است و این دو رکن با یکدیگر تلاقی پیدا نمی‌کنند و علم و عمد و قصد آنان حتی اگر وجود آن را فرض بگیریم، در زمانی بعدتر روی داده است. همچنین رفتار صورت گرفته توسط منتفعان دلالت بر سوءنیت آنان ندارد، زیرا با دقت در معنای سوءنیت متوجه می‌شویم که بهره‌گیری از عایدات مجرمانه اگرچه بر «حالت خطرناک» آنان می‌تواند گواهی کند اما تلقی کردن این رفتارها بر قصد ارتکاب یک جرم درست نیست.

البته هر چند دکترین طرح کیفری مشترک با انتفاع از جرم همخوانی ندارد اما طرح کیفری مشترک تعمیم‌یافته می‌تواند با این مبحث مطابقت کند، زیرا از جهت رکن مادی نوع توسعه‌یافته مسئولیت کیفری جمعی به خاطر جنایات ارتكابی فراتر از هدف مشترک است؛ به عبارت دیگر این جرائم در قلمرو هدف مشترک نیست بلکه پیامد طبیعی و قابل پیش‌بینی آن اهداف است. از جهت رکن روانی برای این شکل از طرح کیفری دو قسمت دارد: نخست، متهم باید قصد مجرمانه در تحقق هدف کیفری مشترک را داشته باشد و دوم علم متهم مبنی

بر این که چنین جنایات خارج از توافقی به وسیله یکی از اعضای گروه قابل وقوع است، احراز شود (شیایزی، ۱۳۹۵: ۴۴۹). عدم مداخله اطرافیان منتفع از جرم در ارتکاب جرائم مقدم یکی از چالش‌های اساسی پیش روی مجازات این افراد است اما با استناد به این دکترین، این ایراد قابل توجیه است، زیرا بر اساس «معیار قابل پیش‌بینی بودن نتیجه» در دکترین مسئولیت جمعی تعمیم‌یافته ارتکاب جرائم خارج از توافق، توسط مجرم اصلی، سبب معافیت منتفعان از تعقیب کیفری نمی‌شود، زیرا شاید اطرافیان مجرم به ارتکاب رفتارهای خلاف قانون از سوی مجرم اصلی علم نداشته باشند اما همین مقدار که با توجه به اوضاع و احوال قضیه و شرایط فردی و اجتماعی مرتکب جرم، کسب ثروت از راه قانونی توسط مجرم ممکن نباشد و حاصل شدن این اموال از راه غیرقانونی قابل پیش‌بینی باشد، مسئول دانستن آنان شدنی است. همچنین آنچه اهمیت دارد انجام رفتارهایی از سوی این افراد است که در تحقق هدف کیفری مشترک، مؤثر واقع شده باشد و نیازی نیست که رفتار این نزدیکان لزوماً بخشی از رکن مادی جرم ارتکابی باشد. نظریه طرح کیفری مشترک توسعه‌یافته به همین دلایل مطرح و مورد استفاده قرار گرفته است تا با مجازات کردن افرادی که به صورت گروهی، بدون مداخله در فرایند ارتکاب جرم اقدام به انجام رفتارهایی برای تحقق هدف مجرمانه کرده‌اند، برخورد قانونی صورت بگیرد که استفاده از این عنوان در مورد اطرافیان منتفع از جرم هم ممکن است.

۵-۲. تطبیق انتفاع از جرم با پول شویی

با بررسی جرم پول شویی آشکار می‌شود که بحث انتفاع از جرم از نظر قانون‌گذار مغفول نبوده است و هنگام تدوین بزه پول شویی تلاش بر این بوده است با وضع مقرراتی ممنوعیت انتفاع از جرم را هم بیان کند اما در این میانه تفاوت‌های مشخصی بین این دو عنوان وجود دارد که مانع انطباق کامل آن‌ها می‌شود. این تفاوت‌ها هم در رکن مادی وجود دارد و هم در رکن روانی که این موارد به ترتیب بیان می‌شود. «تحصیل عایدات مجرمانه و تملک و استفاده از آن‌ها»، سه رفتاری است که طبق بند «الف» ماده ۲ ق.م.پ. اصلاحی در سال ۱۳۹۷، بخشی از رکن مادی پول شویی هستند که به نظر می‌رسد با ویژگی‌های مادی انتفاع از جرم که شامل دریافت عایدات مجرمانه و بهره‌مندی از آن‌ها می‌شود، همپوشانی داشته

باشند. «تحصیل» و «تملک» عایدات مجرمانه به عنوان مصادیق جرم پول شویی را می‌توان همان «دریافت» اموال یعنی رفتار مادی لازم برای تحقق انتفاع از جرم دانست. در مورد «استفاده» از اموال هم باید گفت که هر چند این واژه، معادل واژه بهره‌گیری است اما دایره شمولی بهره‌گیری گسترده‌تر است، مانند این که در مورد عنوان «عدم‌الضرر» نمی‌توان این رفتار را با «استفاده» که دلالت بر بروز یک فعل مثبت دارد، تطبیق داد اما آن ذیل واژه «بهره‌گیری» قرار می‌گیرد؛ اما به هر حال رفتارهای مادی این دو عنوان به هم نزدیک هستند.

اما بر بنیاد مقررات فعلی^۱ هر جرمی می‌تواند به عنوان جرم مقدم در پول شویی مطرح شود و از سوی دیگر استفاده از عایدی مجرمانه هر چند به میزان بسیار اندک، باعث رخ دادن جرم پول شویی می‌شود. لکن در انتفاع از جرم استفاده از عایدی «هر جرم» نمی‌تواند موجب وقوع جرم شود و تنها بعضی جرائم خاص و مهم هستند که به عنوان جرائم مقدم در انتفاع از جرم آورده می‌شوند و به نظر می‌رسد این شیوه مناسب‌تر باشد. همچنین انتفاع از جرم در صورت کلان بودن، قابل مجازات است و چنانچه انتفاع اشخاص از سطح معین شده‌ای فراتر رود، می‌توان گفت جرم رخ داده است لکن این شرط هم در مورد پول شویی وجود ندارد و این گستردگی دامنه شمولی جرم پول شویی برخلاف ویژگی‌های انتفاع از جرم بوده و نیز نامطلوب است.

از لحاظ رکن روانی هم دو ایراد وجود دارد که موجب عدم انطباق این دو عنوان است. یکم، بنا بر صراحت قسمت اخیر بند اول ماده^۲ قانون یادشده، الزاماً «علم» مرتکب به مجرمانه بودن عواید بایستی اثبات شود. هر چند در تبصره یک آن ماده به ظن نزدیک به علم اشاره شده است اما این تبصره به جهت وارونه کردن بار اثبات جرم است و چنانچه ظن نزدیک به علم به عدم صحت تحصیل مال وجود داشته باشد، دادستان تکلیفی به اثبات عدم صحت تحصیل مال ندارد و فرض بر عدم صحت آن است و متصرف بایستی صحت تحصیل مال را اثبات کند اما دادگاه در بررسی رکن روانی جرم پول شویی لزوماً بعد از احراز علم متهم

۱. بند «الف» ماده ۱ قانون مبارزه با پول شویی مصوب سال ۱۳۹۷: «جرم منشأ: هر رفتاری است که مطابق ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ جرم محسوب شود. از منظر این قانون تخلفات مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات بعدی جرم محسوب می‌شود».

۲. «تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرائم با علم به منشأ مجرمانه آن».

می‌تواند حکم محکومیت صادر کند. آنچه برداشت می‌شود این است بایستی در هر حال علم متهم نسبت به «مجرمانه بودن» عواید محرز باشد؛ اما گفته شد که در انتفاع از جرم احراز علم با این کیفیت نه خواسته شده است و نه ضروری است. همین که شخص بداند که مال مورد بهره‌برداری او «غیرقانونی» است، کفایت می‌کند و احتیاجی به اثبات علم شخص به مجرمانه بودن اموال مورد انتفاع نیست. این امر دشواری‌های زیادی برای مرجع کیفری به دنبال دارد و وارونه کردن بار اثبات جرم برای رفع این نقیصه کفایت نمی‌کند. احراز هر یک از عناوین «علم» یا «ظن اطمینان‌آور» یا «بی‌توجهی فاحش» برای احراز رکن روانی انتفاع از جرم به نحوی که شرح آن گذشت، کافی است. این رویه، وارونه شیوه مذکور در جرم پول‌شویی مزایای بسیاری داشته و راهکار کارایی برای سد راه بهره‌مندان از اموال مجرمانه است.

دوم، شخص با انجام رکن مادی پول‌شویی، بایستی «به دنبال پنهان کردن منشأ غیرقانونی این درآمدها باشد. به گونه‌ای که اگر شخصی انگیزه پنهان کردن منشأ غیرقانونی درآمد مورد مصرف و سفیدنمایی آن را نداشته باشد، جرم پول‌شویی قابل تحقق نخواهد بود» (شمس ناتری، ۱۳۸۲: ۶) که وجود این انگیزه در انتفاع از جرم ضروری نیست و پذیرش این امر سبب می‌شود بسیاری از مواردی که انتفاع از جرم به شمار می‌آید، جرم پول‌شویی محسوب نشود.

هر چند بنا به ظاهر قانون مبارزه با پول‌شوئی، انتفاع از جرم را می‌توان در ذیل جرم پول‌شوئی تبیین کرد و بخشی از رفتارهایی که موجب تحقق جرم پول‌شوئی می‌شود، با انتفاع از جرم منطبق است لکن طبق توصیفی که از انتفاع از جرم به عمل آمد، مواردی از تفاوت بین این عناوین را می‌توان بیان کرد که ضرورت تمایز بین این عناوین را روشن می‌کند و برخورد مستقل با منتفعان از عایدات مجرمانه را توجیه می‌کند.

۳-۵. تطبیق انتفاع از جرم با تحصیل مال از طریق نامشروع

چه با دیدگاه مضیقی جرم تحصیل مال از طریق نامشروع را تفسیر کنیم و آن را ناظر بر افرادی بدانیم که دارای امتیازهای خاص دولتی بوده‌اند و از این طریق مال نامشروعی تحصیل کرده باشند و چه با استناد دیدگاه موسع رایج؛ هر کس را که مالی را از راه غیرقانونی

به دست آورد مشمول این عنوان مجرمانه بدانیم، بین این جرم و انتفاع از جرم تفاوت‌های زیادی وجود دارد. می‌توان گفت که این دو رفتار در بسیاری از موارد با یکدیگر مطابقت ندارند. اگر دیدگاه مضیق برگزیده شود و مرتکب جرم تحصیل مال از طریق نامشروع را کسانی بدانیم که از امتیازهای خاص بهره‌مند هستند، در این صورت تعارض جدی بین این برداشت و انتفاع از جرم ایجاد می‌شود. علت تعارض این است که در انتفاع از جرم شخص از اموال حاصله از یک جرم مقدم بهره‌مند شده است اما طبق برداشت مضیق جرم مقدمی واقع نشده است بلکه شخص به طور غیرقانونی و با سوءاستفاده از امتیازات خاصی که به او داده شده است، مالی را تحصیل کرده و این امر مانع انطباق دو عنوان فوق است. اما اگر برداشت موسع ملاک قرار گیرد، نیاز به بررسی بیشتری است که به شرح زیر بیان می‌شود:

یکم، در برداشت موسع روش تحصیل مال بایستی غیرقانونی باشد اما در انتفاع از جرم ممکن است با انجام رفتارهایی مورد حمایت قانون‌گذار مانند دریافت نفقه از اموال مجرمانه انتفاع صورت بگیرد و می‌توان تصور کرد که در موارد بی‌شماری انتفاع برخلاف قوانین نیستند و چون رکن مادی لازم برای تحقق جرم موضوع ماده ۲ قانون تشدید تحصیل مال دیگری از طریق غیرقانونی است و این شیوه در تحقق جرم موضوعیت داشته و بدون اثبات غیرقانونی بودن روش به دست آوردن مال، محکوم کردن اشخاص ناممکن است، در نتیجه موجب عدم انطباق با انتفاع از جرم می‌شود؛

دوم، شرط است که تحصیل مال باید مؤخر بر توسل به روش نامشروع باشد؛ یعنی لزوماً دو رفتار باید انجام شود آن هم به صورت متوالی یعنی تقدم و تأخر رفتارها واجد اهمیت است. اما در انتفاع از جرم رفتار مجرمانه دریافت یا بهره‌برداری از عایدات مجرمانه است که با انجام هر یک، جرم رخ می‌دهد و نیازی به انجام دو رفتار نیست. همچنین در انتفاع از جرم نامشروع بودن شیوه تحصیل مال دارای اهمیت نیست و دریافت اموال به هر طریق سبب تحقق جرم می‌شود که این موارد از دیگر موجباتی است که باعث عدم انطباق رفتارها می‌شود.

سوم، همان‌گونه که گفته شد در انتفاع از جرم شرط است واگذاری اموال از سمت مجرم اصلی به منتفع با رضایت صورت بگیرد که این شرط سبب عدم انطباق انتفاع از جرم با تحصیل مال از طریق نامشروع می‌شود، به دلیل اینکه رضایت شخص به واگذاری مال، موجب عدم وقوع جرم تحصیل مال از طریق نامشروع می‌شود، زیرا در انتفاع از جرم رضایت

مجرم اصلی به انتقال مال خود، ضروری است و مانع از رخداد جرم نیست برخلاف سایر جرائم علیه اموال که در صورتی که مالک رضایت داشته باشد، جرم واقع نمی‌شود. از طرفی انتفاع از جرم تنها اموال مجرمانه را شامل می‌شود اما در تحصیل مال از طریق نامشروع لزوماً نیازی به مجرمانه بودن اموال نیست، زیرا در این صورت رفتار واقع شده منطبق با جرم موضوع تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پول شویی است که می‌توان آن را «تحصیل اموال مجرمانه به روش نامشروع» نامید. از این گذشته، انتفاع از جرم در خصوص اشخاص خاص و برخی جرائم مهم و فراتر از یک میزان مشخص تحقق می‌یابد و چون این امور در تحقق جرم تحصیل مال از طریق نامشروع شرط نیست، بین این دو عنوان همپوشانی کاملی وجود ندارد.

با این حال در تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پول شویی مصوب سال ۱۳۹۷ جرمی شبیه به تحصیل مال از طریق نامشروع وضع شده است که به نظر می‌رسد برخی از ایرادهای فوق را نداشته و امکان مجازات منتفعان میسر باشد. در این تبصره آمده است که: «چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می‌شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود».

این جرم با جرم تحصیل مال از طریق نامشروع موضوع ماده ۲ قانون تشدید شباهت زیادی دارد اما به نظر می‌رسد تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود داشته باشد، زیرا «ارتکاب رفتارهای موضوع ماده ۲ (قانون مبارزه با پول شویی) باید نسبت به اموالی باشد که ناشی از جرم بوده و در اثر جرم تحصیل شده‌اند ... و چنانچه منبع و منشأ مال، حاصل از جرم نباشد و به عبارتی مال ناشی از اعمال نامشروعی باشد که این اعمال عنوان مجرمانه ندارند ... در این چهارچوب قرار نمی‌گیرد» (رستمی، ۱۳۹۸: ۸) بر این بنیاد «تبصره ۳ ماده ۲ قانون مبارزه با پول شویی که تحصیل مال از طریق نامشروع را جرم‌انگاری کرده است، در همین راستا قابل فهم است» (رستمی، ۱۳۹۸: ۸).

به این ترتیب در جرم موضوع تبصره ۳ هم مال حاصل شده باید جزء عایدات مجرمانه یعنی کسب شده در یک فرایند مجرمانه و ناشی از یک جرم مقدم باشد و هم به طریق نامشروعی این اموال به دست آمده باشد که در تبیین جرم تحصیل مال نامشروع موضوع ماده ۲ قانون تشدید (طبق دیدگاه موسع) نیازی نیست که مال حاصل شده ناشی از ارتکاب رفتار مجرمانه باشد و ناظر بر تحصیل اموال غیر مجرمانه با روشی غیرقانونی است. فلسفه تدوین و وضع جرم تبصره ۳

«در بعد اثباتی قضیه آشکار می‌شود، زیرا تبصره ۳ ناظر بر حالتی است که ... ثابت نمی‌شود که مال از رهگذر جرم به دست آمده یا اینکه حاصل یک فعالیت مشروع است؛ آن چیزی که قطعی و مسجل است، عدم مشروعیت تحصیل مال است» (رستمی، ۱۳۹۸: ۸) و چنانچه محرز باشد که مال ناشی از ارتکاب جرم بوده است، رفتار فرد پول‌شویی تلقی می‌شود و با جرم موضوع تبصره ۳ منطبق نیست. هر چند شاید بتوان گفت که نامشروع بودن روش تحصیل مال در جرم موضوع تبصره ۳ اهمیت داشته و شاید بتوان گفت قانون‌گذار با وضع این تبصره درصدد بوده است پاره‌ای از رفتارهایی که منجر به تحصیل مال مجرمانه می‌شود و مشمول رفتارهای مادی جرم پول‌شویی نمی‌شود و روش تحصیل آن هم نامشروع باشد را، جرم بداند تا تمامی روش‌هایی را که منجر به بهره‌برداری از اموال مجرمانه می‌شود منع کند.

جرم موضوع تبصره ۳ با انتفاع از جرم هم منطبق نیست، زیرا از یک‌سو، رکن مادی انتفاع از جرم دریافت و بهره‌گیری از عایدات مجرمانه است اما تمرکز جرم موضوع تبصره ۳ بر تحصیل مال است و استفاده از عایدات جرم را که ممکن است مسبوق به تحصیل نباشد دربر نگیرد. از سوی دیگر، تأکید بر نامشروع بودن شیوه تحصیل مال و موضوعیت داشتن روش به دست آوردن مال مجرمانه مانع مهمی در انطباق این جرم با انتفاع از جرم است، زیرا این قید ضروری نیست و بهتر است دریافت و بهره‌مندی اموال مجرمانه بدون توجه به روش تحصیل مال جرم باشد.

۵-۴. تطبیق انتفاع از جرم با انتقال مال غیر

«کسی که مال غیر را با علم به اینکه مال غیر است به نحوی از انحاء عیناً یا منفعتاً بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاه‌بردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود و همچنین است انتقال‌گیرنده که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده باشد»^۱. در این قانون برای شخصی که مال دیگری را «دریافت» می‌کند، مجازات کلاه‌برداری تعیین شده است و همان‌گونه که گفته شد، «دریافت مال مجرمانه» رکن مادی انتفاع از جرم هم هست که این تشابه می‌تواند این سؤال را پیش آورد که آیا مجازات منتفعان از جرم به وسیله عنوان مجرمانه انتقال مال غیر پذیرفتنی است؟ اولین ایراد این است که در انتفاع از جرم، منتفع تحت هیچ عنوان نباید در ارتکاب جرم مبدأ دخالت داشته باشد و بایستی اموالی از

۱. ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب سال ۱۳۰۸.

یک جرم مقدم حاصل شده باشد و سپس اشخاص منتفع شده باشند که در جرم انتقال (دریافت) مال غیر، شخص دریافت‌کننده در ارتکاب جرم دخیل است و رفتار ایشان بر طبق ماده ۱ این قانون بخشی از ارکان جرم انتقال مال غیر است و به جهت دخالت این افراد در شکل‌گیری جرم مقدم، انتساب عنوان انتفاع از جرم به آن‌ها بعید است و از سوی دیگر، موضوع جرم در انتفاع از جرم عایدات مجرمانه است یعنی اموالی که پس از پایان یافتن ارتکاب یک جرم، حاصل شده است و از این جهت با مالی که «موضوع جرم» است و انجام رفتارهایی نسبت به آن مال موجب تحقق جرم می‌شود، تفاوت وجود دارد.^۱ دریافت اموال در جرم انتقال مال غیر از نوع دوم است و مالی که شخص دریافت می‌کند «عایدات مجرمانه» به حساب نمی‌آید بلکه «مال موضوع جرم» است که موجب تحقق عنوان انتفاع از جرم نیست. البته می‌توان تصور کرد که جرمی واقع شده باشد و اموالی از آن کسب شده و سپس به دیگری انتقال داده شود که در این حالت هم مال «عایدات مجرمانه» به حساب می‌آید و هم منتفع در ارتکاب جرم مقدم دخالت نداشته است و انطباق کاملی بین دو عنوان یادشده موجود است اما حداقل به موجب یک نظر^۲ انتقال «اموال ناشی از ارتکاب جرم»، سبب تحقق جرم انتقال مال غیر نمی‌شود اما انتفاع از جرم تنها در خصوص اموال حاصل از جرم، قابل اعمال است. همچنین در انتفاع از جرم، میزان انتفاع و اشخاص منتفع در تحقق جرم مؤثر است اما در انتقال مال غیر هیچ‌یک از این موارد قابل توجه نیست و مجازات جرم مزبور، نسبت به هر میزان اموال و نسبت به هر شخص قابل اعمال است.

نکته دیگر این است که جرم انتقال مال غیر به محض «انتقال حقوقی» اموال محقق می‌شود اما در انتفاع از جرم، اموال باید به طور فیزیکی و مادی با توجه به کیفیت اموال «دریافت» شود و یا نسبت به آن‌ها «انتفاع» صورت بگیرد که دامنه شمولی جرم انتقال مال غیر گسترده‌تر است، زیرا حتی رفتارهای صورت گرفته در «عالم اعتبار» موجب وقوع انتقال مال غیر

۱. این تفکیک در قانون مبارزه با پول‌شویی اصلاحی در سال ۱۳۹۷ مورد توجه قرار گرفته است. به این شرح که در ماده ۱ و در بند «پ» تعریف مال ناشی از جرم، مال موضوع جرم را «در حکم مال به دست آمده از جرم» معرفی کرده است. «هر مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جرم منشأ به دست آید از قبیل مالی که از جرائم اقتصادی و جرم تأمین مالی تروریسم حاصل می‌شود. همچنین، مال موضوع جرم یا مالی که برای ارتکاب جرم اختصاص داده شده است در حکم مال به دست آمده از جرم است.»

۲. گروهی با بیان اینکه «انتقال مال غیر در صورتی محقق است که انتقال‌دهنده شخصاً صاحب مال را بشناسد و آن را شامل مواردی که مال دزدی (مجرمانه) به دست کسی می‌افتد و این شخص بدون شناختن صاحب مال، آن را با علم به مسروقه بودن می‌فروشد، ندانسته است» (میر محمد صادقی، ۱۳۹۳ الف: ۱۳۶).

است اما با این رفتارها انتفاع از جرم تحقق نمی‌یابد. از طرفی، می‌توان تصور کرد که اشخاص از اموالی منتفع شوند بدون اینکه انتقال حقوقی نسبت به آن‌ها واقع شده باشد. بر اساس این امر بسیاری از رفتارها وجود دارد که انتفاع از جرم محسوب می‌شود ولی نمی‌توان آن را انتقال مال غیر دانست و این مقرره توان مجازات رفتارهای ارتكابی بسیاری از منتفعان را ندارد اما به موجب همین قانون و در محدوده آن، برخی از رفتارهای شایع منتفعان را می‌توان مجازات کرد.

۵-۵. تطبیق با انتفاع از جرم با قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی

انتفاع از جرم را دریافت یا استفاده از اموال ناشی از جرم تعریف کردیم. این امر یکی از وجوه تمایز بین این دو رفتار است، زیرا تحقق جرم مذکور در ماده ۱۱۴ قانون اجرای اصل ۴۹ منوط به «قبول نمودن» انتقال حقوقی آن اموال است. در واقع، جرم موضوع ماده ۱۴ به نظر می‌رسد، به صرف تحقق اسباب حقوقی انتقال مال در «عالم اعتبار»، واقع می‌شود اما در انتفاع از جرم منتفعان باید آن اموال را دریافت دارند یا از آن منتفع شوند. بنابراین از یک سو، زمان تحقق جرم بر اساس عنوان مجرمانه موضوع ماده ۱۴ مقدم بر انتفاع از جرم است و این امر موجب گستردگی دامنه شمولی این جرم است که دارای آثار سوء بوده و نامناسب است و از سوی دیگر، اگر شخصی بدون هیچ نقل و انتقالی از اموالی به هر شکل منتفع شود، به موجب این قانون قابل مجازات نیست در حالی که این موارد انتفاع از جرم محسوب می‌شود.

انتفاع از جرم تنها نسبت به «اموال ناشی از برخی جرائم مهم» قابل تحقق است اما هر گونه نقل و انتقال نسبت به «ثروت‌های نامشروع» سبب تحقق جرم موضوع ماده ۱۴ می‌شود. به عبارت دیگر افزون بر دریافت اموال ناشی از تمامی جرائم، قبول اموال نامشروع هم موجب تحقق این جرم است، زیرا برخی رفتارهای پیش‌بینی شده در اصل مذکور مانند سوءاستفاده از موقوفات یا غصب اموال لزوماً در همه مصادیق وصف مجرمانه ندارد. پس با توجه به دایره شمول گسترده این ماده، می‌توان خیلی از موارد انتفاع از اموال نامشروع را تحت پیگرد قرار داد و این گستردگی دامنه شمولی مطلوب نیست. تفاوت‌های دیگری را هم بین این دو رفتار می‌توان

۱. «هر گونه نقل و انتقال اموال موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی به منظور فرار از مقررات این قانون پس از اثبات باطل و بلائثر است انتقال گیرنده در صورت مطلع بودن و انتقال دهنده به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد».

ذکر کرد از جمله محدود بودن دایره شمول مرتکبان انتفاع از جرم یا وجود یک میزان خاص از انتفاع از اموال برای تحقق این عنوان ضروری است که لزومی به تحقق هیچ‌کدام در جرم موضوع ماده ۱۴ نیست.

۵-۶. تطبیق انتفاع از جرم با دارا شدن غیرعادلانه

بر اساس ماده ۲۰ کنوانسیون مبارزه با فساد مصوب سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ (مشهور به کنوانسیون مریدا) «هر کشور عضو، با توجه به قانون اساسی و اصول اساسی نظام حقوقی خود، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات لازم را مدنظر قرار می‌دهد تا دارا شدن من غیرحقوقی یعنی افزایش چشمگیر دارایی‌های یک مقام دولتی را که به صورت معقول نمی‌تواند در ارتباط با درآمد قانونی خود توضیح دهد، موقعی که به صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم کیفری تلقی شود». این کنوانسیون به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در سال ۱۳۸۷ برای اجرا ابلاغ شده است و اکنون «در حکم قانون»^۱ به حساب می‌آید.

مفاد عنوان دارا شدن غیرعادلانه با انتفاع از جرم مطابقت ندارد، زیرا ما در بحث انتفاع از جرم به دنبال مجازات اشخاصی «غیر از مجرم اصلی» هستیم و می‌خواهیم کسانی را که با خیالی آسوده و به دور از هر گونه خطر تعقیب کیفری و مجازات، از منافع حاصله از جرائم بهره‌مند می‌شوند مجازات کنیم اما در جرم دارا شدن غیرعادلانه، تمرکز بر روی شخص «مجرم اصلی» است و در خصوص اطرافیان منتفع از آثار جرم صحبتی مطرح نشده است. در واقع در این ماده، درصد مجازات شخصی هستند که بعد از تصدی یک شغل دولتی، دارایی آن‌ها بدون جهت موجهی افزایش یافته است که این امر با انتفاع از جرم به کلی فرق دارد. همچنین اشکال دیگر این است که مرتکب جرم دارا شدن غیرعادلانه، تنها «مقامات دولتی» هستند و سایر اشخاص نمی‌توانند مرتکب چنین جرمی شوند، اگرچه در انتفاع از جرم هم تنها اشخاص خاصی می‌توانند عنوان مرتکب جرم را داشته باشند اما دایره انتفاع از جرم از جرم دارا شدن غیرعادلانه گسترده‌تر بوده و اشخاص دیگری را هم شامل می‌شود و منحصر به مقام دولتی نیست.

۱. ماده ۹ قانون مدنی: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است».

از طرف دیگر، موضوع انتفاع از جرم عایدات مجرمانه است و استفاده از سایر اموال نامشروع را شامل نمی‌شود اما به نظر می‌رسد دایره جرم دارا شدن غیرعادلانه وسیع‌تر باشد و موضوع این جرم ثروت‌های نامشروع اعم از غیرقانونی و مجرمانه باشد. همچنین مال موضوع انتفاع از جرم باید به واسطه ارتکاب یک جرم مقدم به دست آمده باشد اما چنین شرطی در مورد دارا شدن غیرعادلانه آورده نشده است لذا به نظر نمی‌رسد با استناد به این ماده بتوان منتفعان از عایدات مجرمانه را مجازات کرد.

«افزایش نامتعارف و چشمگیر دارایی ... که در ماده ۲۰ کنوانسیون مریدا به عنوان یکی از شکل‌های فساد مالی پیش‌بینی شده بود، با وجود شرایطی، در تبصره ۲ ماده ۲ قانون مبارزه با پول‌شویی جرم‌انگاری شده است» (رستمی، ۱۳۹۸: ۱۴). به موجب این تبصره: «دارا شدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبت است. علاوه بر این چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن بر اساس نرخ تورم برای سال‌های بعد باشد وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم اسناد مثبت که قابل راستی‌آزمایی باشد به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک‌چهارم ارزش آن اموال خواهد بود، در این صورت اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضائی توقیف می‌شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود دارا شدن مشروع بوده از مال رفع توقیف و در غیراین صورت ضبط می‌شود». بر اساس این تبصره، «قانون‌گذار فرض را بر این گذاشته که دارا شدن اموال به میزان بیش از ده میلیارد ریال در یک سال پایه از راه مشروع نبوده و به احتمال ناشی از ارتکاب رفتار مجرمانه است» (رستمی، ۱۳۹۸: ۱۴). دادگاه در صورت مواجه شدن با چنین مواردی ابتدا بایستی از متهم اسنادی که دارا شدن مشروع اموال را اثبات می‌نماید، مطالبه کند. عدم ارائه اسناد مثبت خود جرم و قابل کیفر است اما چنانچه متهم نتواند مشروع بودن دارا شدن را اثبات کند تنها کیفر ضبط این اموال پیش‌بینی شده است، زیرا فرض بر این است که این اموال از راه مجرمانه به دست نیامده است یا دلیل معتبری بر این امر موجود نیست لذا جز ضبط اموال کیفر دیگری پیش‌بینی نشده است.

این تبصره به‌خوبی توانایی مجازات کردن منتفعان از اموال مجرمانه را دارا است. چون از طرفی گستره این تبصره از ماده ۲۰ کنوانسیون وسیع‌تر بوده و همه افراد را شامل می‌شود و تنها ناظر به مقام دولتی نیست و از طرف دیگر بر بنیان این تبصره امکان تعقیب افرادی غیر از مجرم

اصلی وجود دارد و محدود به مرتکب جرم مقدم نیست. اما این تبصره تفاوت‌های با انتفاع از جرم دارد. نخستین تفاوت این است که عنوان «دارا شدن» به نوعی دچار ابهام است و مشخص نیست مقصود دریافت مادی اموال است یا دارا شدن در عالم اعتبار را هم در برمی‌گیرد و نیز روشن نیست که اگر شخصی اموالی را دارا شده باشد و از آن بهره‌مند شده باشد و آن اموال موجود نباشد یا در مواردی که بدون دارا شدن اموالی مورد استفاده قرار گیرد، با این مقرر قابل کیفر باشد. دومین تفاوت این است که این تبصره ناظر بر اموال مجرمانه نیست و تنها اموالی را که تحصیل آن‌ها از طریق ارتکاب جرم نباشد یا اثبات مجرمانه بودن آن دشوار باشد، در برمی‌گیرد و اگر آن مال ناشی از جرم باشد، استناد به این تبصره ناممکن است، زیرا هر چند مال مجرمانه به نوعی مال نامشروع به شمار آمده لکن پذیرفتن وضع دو جرم در یک قانون با تداخل گستره شمولی و همپوشانی هر چند جزئی بین این عناوین دشوار بوده و بهتر است دامنه تبصره را منحصر به اموالی که ناشی از جرم نباشد، بدانیم. از طرفی صرف ضبط اموال، کیفر متناسبی برای مرتکب این رفتار نیست و بازدارندگی مناسبی در قبال این رفتارها ایجاد نمی‌کند. به این ترتیب گستره این عناوین متمایز بوده و انطباقی بین آن‌ها موجود نیست.

فرجام سخن

مهم‌ترین دغدغه دستگاه‌های عدالت کیفری چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، مبارزه با جرائمی است که درآمدهای مالی سرشاری دارند. در واقع علت اصلی وقوع این جرائم، به دست آوردن مال است ولی انگیزه مرتکبان منحصر به رفع نیازهای خود نبوده و آن‌ها برطرف کردن نیازهای نزدیکان خود و همچنین سایر اهداف که شامل افزایش سرمایه و دستیابی به قدرت بیشتر را مدنظر دارند.

برای برخورد همه‌جانبه و مؤثر با جرائم مالی بایستی تمامی مسیر این دسته فعالیت‌های مجرمانه را جرم‌انگاری کرد. انتفاع از جرم آخرین گام در این مسیر طولانی است و منتفعان با وجود آنکه یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی هستند که از اموال مجرمانه برخوردار می‌شوند اما به موجب مقررات فعلی راه‌های بسیاری برای گریز از تحمل مجازات دارند و همین امر اشتیاق آنان در انتفاع از عایدات مجرمانه را افزایش می‌دهد. انتفاع از جرم به موجب احکام شرعی ممنوع و ناپسند بوده و زیان ناشی از این رفتار به فرد و جامعه مسلم است. همچنین زیر پا نهادن اخلاق با

انتفاع از عایدات مجرمانه ایجاب می‌کند در شرایطی که جرائم مقدم، مهم و خطرناک هستند و منتفعان به میزان گسترده‌ای از این اموال بهره‌مند شده‌اند، مجازات کردن این افراد پذیرفتنی باشد.

به موجب مقررات کنونی، جرائم متعددی است که با ویژگی‌های بیان شده در مورد انتفاع از جرم همخوانی دارد. پول‌شویی و جرائم مذکور در قانون مبارزه با پول‌شویی همچون دارا شدن اموال نامشروع و تحصیل اموال مجرمانه از راه نامشروع و نیز جرم انتقال (دریافت) مال غیر و جرم موضوع قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی هر کدام به میزانی مبارزه با منتفعان از عایدات مجرمان را میسر می‌کند اما هیچ‌کدام از این جرائم انطباق کاملی با ویژگی‌های گفته شده برای انتفاع از جرم ندارد و به نظر می‌رسد موارد گفته شده برای انتفاع از جرم مناسب‌تر باشد، زیرا جرائم گفته شده یا در مواردی دامنه شمولی آن بسیار گسترده بوده مانند جرم پول‌شویی که انتفاع از مبالغ اندک هم بر اساس مقررات پول‌شویی جرم تلقی می‌شود یا اینکه گستره این جرائم محدود بوده که تنها بخشی از منتفعان را شامل می‌شود که ایرادهای این جرائم اثرات نابجای بسیاری دارد که بی‌تردید اجرای مقررات این جرائم را دشوار و یا ممتنع می‌کند. بنابراین ضرورت وضع یک عنوان مجرمانه مستقل و جدید برای مبارزه با انتفاع از جرم که دامنه وسیعی نداشته باشد و مقررات پراکنده موجود را در ذیل یک عنوان گرد آورد، وجود دارد.

منابع

- الهام، غلامحسین؛ احمدی، زهرا (۱۳۹۵) «بررسی ضمانت اجرای مالی در زمینه حقوق رقابت»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲ (پیاپی ۷)، صص ۱۳۱-۱۴۷.
- جانی‌پور اسگلکی، مجتبی؛ وهابی توپاچی، مجتبی (۱۳۹۱) «ضابطه تشخیص بی‌احتیاطی در تحقق مسئولیت کیفری»، مجله فقه و حقوق اسلامی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۷۹-۱۱۶.
- حاجی ده آبادی، احمد؛ حاجی ده آبادی، محمد علی؛ یوسفی، محمد (۱۳۹۲) «بررسی مبنای ضرر در جرائم جنسی با رویکردی به فقه امامیه»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوم، صص ۳۵-۶۵.
- رستمی، هادی (۱۳۹۳) «جرمانگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره اول، صص ۵۵-۸۱.

- رستمی، هادی (۱۳۹۸) «تحصیل مال از طریق نامشروع در پرتو مقررات پول شویی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۳۹۷-۴۱۷.
- سلامی‌زاده، فاطمه؛ رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۵) «قاعده احترام در فقه امامیه»، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره دو، شماره ۳/۱، صص ۱۰۲-۱۱۲.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۲) «پول‌شویی، آثار و عکس‌العمل‌ها»، اندیشه‌های حقوقی، دوره ۱، شماره ۵، صص ۸۷-۱۰۴.
- شیایزری، کریانگ ساک کیتی (۱۳۹۵) حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه یوسفیان، بهنام؛ اسماعیلی، محمد، تهران: نشر سمت.
- فلاحی، احمد (۱۳۹۳) اصل ضرورت در جرم‌انگاری، تهران: نشر دادگستر.
- فلاحی، احمد (۱۳۹۴) «اصل ضرورت در جرم‌انگاری و محدودیت وارده بر دخالت کیفری در مصرف مواد مخدر»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره اول، صص ۲۱۷-۲۴۰.
- محمدخانی، عباس (۱۳۹۵) عنصر روانی جرم، جلد اول، تهران: نشر میزان، چاپ اول.
- مسجد سرای، حمید (۱۳۹۲) «واکاوی در ادله شمول تعزیر»، فصلنامه مطالعات اسلامی: فقه و حقوق، سال چهل و پنجم، شماره پیاپی ۹۵، صص ۸۷-۱۰۳.
- منصورآبادی، عباس؛ فتحی، محمدجواد (۱۳۹۲) جعل و تزویر و جرائم وابسته، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳ الف) جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ سی و نهم.
- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳ ب) جرائم علیه اشخاص، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهاردهم.
- نژندی منش، هیبت اله (۱۳۹۴) حقوق بین‌الملل کیفری در رویه قضایی، تهران: نشر خرسندی.
- هرینگ، جانانان (۱۳۹۲) مبانی حقوق کیفری انگلستان، ترجمه اعتمادی، امیر، تهران: نشر جنگل، چاپ اول.
- یوسفیان شوره دلی، بهنام (۱۳۸۹)، «رویکردهای نوین نسبت به اموال مجرمین در جرائم سازمان‌یافته یا اقتصادی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۹-۴۹.